



• نویسنده: علی اکبر زین العابدین
• تصویرگر: حسین آسیند

ضرب المثل‌های تاریخی

عهد بوق

بوق

از این وسیله تا شصت، هفتاد سال پیش در ایران استفاده می‌شد. هر وقت می‌خواهیم بگوئیم چیزی خیلی کهنه شده و شاید دیگر به کار نیاید، می‌گوییم: «ای بابا!... این که مال عهد بوق است!» منظور ما از عهد بوق، روزگاران خیلی دور است. بعضی‌ها وقتی از این ضرب‌المثل استفاده می‌کنند، فقط قصد شوخی دارند. گاهی هم هدف، نوآوری و نوجویی است.

ضرب‌المثل‌ها، جمله‌ها یا عبارت‌هایی کوتاه و مشهورند. ضرب‌المثل‌ها گاهی یک داستان را به صورت خلاصه یادآوری می‌کنند و گاهی پندی می‌دهند. وقتی مردم می‌خواهند نظرشان را با یک سخن کوتاه و مؤثر بگویند، ضرب‌المثلی را به کار می‌برند. «ضرب‌المثل» یعنی نمونه آوردن. ضرب‌المثل‌ها در دل خود یک دنیا حرف دارند.



بوق چیست؟

بوق وسیله‌ی بادی بلندی بود که دو طرف آن سوراخ داشت. از طرف سوراخ کوچک‌تر، در آن می‌دمیدند. آن وقت از طرف گشادتر صدای بلندی بیرون می‌آمد. به بعضی از بوق‌ها «کرنا» هم می‌گفتند. بوق‌ها را از استخوان، شاخ حیوانات و یا فلزات می‌ساختند.

عهد بوق چه زمانی است؟

«عهد» یعنی یک دوره‌ی تاریخی مشخص. معمولاً ما عهدها را از نام حکومت‌ها یا پادشاهان می‌شناسیم. مثلاً عهد هخامنشیان یا عهد دقیانوس یعنی زمان حکومت سلسله‌ی هخامنشی یا زمان پادشاهی دقیانوس. ما حکومت یا پادشاهی به نام بوق نداشته‌ایم!

عهد بوق دوره‌ی خاصی نیست. عهد بوق به زمانی می‌گویند که هنوز تلفن و رادیو و تلویزیون و بی‌سیم اختراع نشده بود. مردم در طول چند هزار سال، در بسیاری از کارهای خود از بوق استفاده می‌کردند. از بوق جنگ در زمان جنگ برای اطلاع‌رسانی استفاده می‌شد. نگهبانان جاده‌ها از بوق جاده‌ای برای خبر کردن مسافران استفاده می‌کردند. آسیابان‌ها هم شروع کار آسیاب را با بوق به مردم اطلاع می‌دادند. حمام‌ها شروع و پایان کار خود را با بوق خبر می‌دادند. از بوق در عروسی‌ها و عزاداری‌ها هم استفاده می‌شد.

